

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱۲
فصل یک. فریب احساسی نهان چیست؟ .....	۲۰
چرا ذهن با فریب عجین است؟ .....	۲۴
فریبکاری به عنوان یک خصیصه شخصیتی .....	۲۶
درهم تنیدگی خودفریبی و دگرفریبی .....	۲۹
پیامدهای فریبکاری: باخت-باخت .....	۳۰
دستکاری احساسی: رایج ترین شکل فریب .....	۳۲
فصل دو. نشانه‌های فریب .....	۳۶
نشانه‌های فریب .....	۳۹
چرا روابط فریبکارانه تداوم می‌یابند؟ .....	۴۷
فصل سه. تقویت متناوب: به بهانه بهشت و به بهای جهنم .....	۵۲
آیا موش هم روان‌شناس را شرطی می‌کند؟ .....	۵۷
تقویت متناوب و آسیب روانی .....	۵۹
با تقویت متناوب چه کنیم؟ .....	۶۲
فصل چهار. گرما یا تب؟ دم گرمه یا تن در تبه؟ .....	۶۶
شوروشوق برخاسته از خیال در رابطه .....	۶۸
صمیمیت و تمایز آن از شوروشوق .....	۷۰
فصل پنج. نفی تنوع و تکثر نظرات و سکناات .....	۷۶
اعتبارزدایی احساسی چیست؟ .....	۷۹
مرز و تکثر: واقعیت‌های اعتباربخش تجارب ذهنی .....	۸۶
فصل شش. جاذبه‌ای که حجاب دافعه می‌شود .....	۹۰
انگیزش‌های بیرونی .....	۹۳
ابزارهای هدف‌شده: چشم اسفندیار منتهی به فریب .....	۹۵
داستان مربیان و اساتید زندگی و معنویت .....	۹۷

۱۰۴	فصل هفت. راهبردهای متداول فریب نهم احساسی .....
۱۰۷	۱. اتحاد دشمن ستیزانه .....
۱۰۸	۲. اعتبارزدایی احساسات .....
۱۱۰	۳. افشای زودرس .....
۱۱۲	۴. ایجاد ترس .....
۱۱۳	۵. باج‌گیری عاطفی .....
۱۱۴	۶. برای خودت می‌گم (نمایش آزادگذاری) .....
۱۱۵	۷. پیشی گرفتن در بدبختی .....
۱۱۶	۸. تحقیر کردن .....
۱۱۷	۹. تشویق متناوب .....
۱۲۰	۱۰. تظاهر به سردرگمی (خود را به خنگی زدن) .....
۱۲۱	۱۱. تقویت منفی .....
۱۲۳	۱۲. جدل یا بی‌حساب کردن .....
۱۲۵	۱۳. جذابیت .....
۱۲۸	۱۴. چاپلوسی .....
۱۳۲	۱۵. خصومت مبدل .....
۱۳۴	۱۶. دروغ گفتن .....
۱۳۷	۱۷. درهچل‌اندازی .....
۱۳۸	۱۸. دلیل تراشی .....
۱۴۰	۱۹. دیوانه‌سازی با انکار آشکار .....
۱۴۱	۲۰. رفتار خاموش .....
۱۴۲	۲۱. سپربلاسازی .....
۱۴۴	۲۲. سرزنش مظلوم .....
۱۴۶	۲۳. شرم‌آفرینی .....
۱۴۸	۲۴. عذاب وجدان .....
۱۵۰	۲۵. فراموشی تعمدی .....
۱۵۱	۲۶. فریب تدریجی .....
۱۵۳	۲۷. قرار دادن شما در حالت دفاعی .....
۱۵۴	۲۸. قصهٔ سوگیرانه یا نامتوازن (یک‌طرفه به قاضی رفتن) .....
۱۵۶	۲۹. کلمات توخالی .....
۱۵۸	۳۰. کنایه‌گویی نظرات و ستایش‌ها .....

۱۶۰	۳۱. کوچک شمردن یا ناچیز شماری
۱۶۲	۳۲. گیرانداختن در گوشه‌ای هیجانی یا فضا ندادن برای احساسات ناخوشایند
۱۶۵	۳۳. مثلث سازی
۱۶۸	۳۴. مدیون سازی یا خفه کردن با محبت (بمباران عشق)
۱۷۱	۳۵. مظلوم نمایی
۱۷۳	۳۶. منحرف سازی یا تغییر تمرکز
۱۷۵	۳۷. نمایش خشم یا کشتن گریه دم حجله
۱۷۶	۳۸. وهم زایی (چراغ گاز)
۱۷۹	۳۹. هیپنوتیزم
۱۸۲	۴۰. یاری گری میل
۱۸۴	<b>فصل هشت. به یاد داشته باشید</b>
۱۸۸	راهکارهای مقابله با فریب
۱۹۰	حقوق اولیه انسانی شما
۱۹۴	<b>فصل نه. دستکاری چیست و چرا غیر اخلاقی است؟</b>
۱۹۵	دو پرسش در مورد دستکاری
۱۹۶	دستکاری چیست؟
۱۹۷	۱. دستکاری به عنوان روشی برای دور زدن منطق
۲۰۱	۲. دستکاری به عنوان فریب
۲۰۲	۳. دستکاری به عنوان فشار
۲۰۴	۴. دیدگاه‌های تفکیکی، آمیخته، و سایر دیدگاه‌ها
	۵. دستکاری به عنوان جذب افراطی و غیر مستقیم: بهره‌کشی و احساس
۲۰۸	محق بودن
۲۱۴	آیا دستکاری اخلاقی است؟
۲۱۴	آیا دستکاری همیشه نادرست است؟
۲۱۷	دستکاری و آسیب
۲۱۸	دستکاری و آزادی
۲۲۳	دستکاری و رفتار با افراد به مثابه اشیاء
۲۲۶	منابع
۲۳۰	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی



## یادداشت چاپ پنجم

در کمتر از یک سال، کتاب به چاپ چهارم رسید. در نتیجه، شرمم آمد آن را بدون بازنگری به چاپ پنجم بسپارم. خیلی پیشتر سودای تألیف این کتاب را داشتم، اما کل آن را در کمتر از سه ماه در سال گذشته تدوین کردم. دلیل آن هم ضرورت طرح مسائل آن در جامعه امروز ایرانیان بود. سرعت در تدوین بازنگری کتاب را ضروری ساخت. کل کار را دوباره ویرایش، و به هر فصل مطالبی در جهت فهم عمیق تر مباحث اضافه کردم. همچنین فصل جدیدی را با عنوان *جاذبه‌ای که حجاب دافعه می‌شود* به کتاب افزودم. به گمانم چنین مسأله‌ای در شرایط فعلی برای فاهمه ما ایرانیان ضروری است. این فصل از فریب‌های رایج در روابط مبتنی بر سلسله‌مراتب، همچون رابطه معلم و شاگرد، رمزگشایی می‌کند. اکنون با اطمینان بیشتری کتاب را تقدیم شما می‌کنم. یاری حجت زمانی‌راد در اصلاح ویرایش جدید مایه امتنان است. سپاس از همه خوانندگانی که در این مدت اندک با ستایش‌ها و نکوهش‌های خود، نظم و نسق بیشتری را نثار اندیشه و نگارشم کردند.

نیما قربانی  
آمداد ۱۴۰۳

مقدمه

---

پویایی‌های حاکم بر روابط انسانی اغلب به‌شکلی نهان عمل می‌کنند. پیش می‌آید از یک رابطه یا معامله راضی نباشیم، اما ندانیم چرا. حس می‌کنیم یک جای کار می‌لنگد، اما نمی‌دانیم کجا. گاهی از میزان خشمی که نسبت به یکی از عزیزان و اطرافیانمان در ما می‌جوشد، حیرت می‌کنیم و از خود می‌پرسیم: «چرا اینقدر عصبانی‌ام؟»، اما هیچ دلیل موجهی نمی‌یابیم، و گمان می‌کنیم بد رفتاری ما بی‌دلیل است. از این درگیری‌های ذهنی و گاهی هم رفتاری بی‌مورد در روابط خود آزرده‌ایم: «چرا برخی روابط من اینجوری پیش می‌ره؟». این مثال‌ها گواهی می‌دهند که پویایی نهانی میان من و دیگری در جریان است که از آن بی‌خبرم. این پویایی‌های ارتباطی گاهی از یک فریب نهان حکایت می‌کنند. اگر آزرده‌ایم، اگر خشمگین‌ایم، و اگر ناراضی، حتماً دلیلی دارد. شاید طرف ما، خود ما، و یا هر دو، در حال دستکاری نهان احساسات یکدیگر هستیم.

واژه دستکاری<sup>۱</sup> به معنای برهم‌زدن نظم حاکم بر یک مجموعه است. دستکاری در اشیا گاهی باعث خراب‌شدن نظم کارکردشان می‌شود و گاهی هم باعث اصلاح کارکرد نامنظمشان. به عبارتی دیگر، دستکاری گاهی تعادل

را برهم می‌زند و گاهی تعادل را به سیستم بازمی‌گرداند. پس باید پرسید با چه هدف و با چه مهارتی دست به دستکاری می‌زنیم؟ آیا با هدف اصلاح دستکاری می‌کنیم؟ آیا این کار را بلدیم؟ جاروبرقی خانه را دستکاری می‌کنیم چون خراب شده و دانش و مهارت تعمیر آن را داریم، یا اینکه دستکاری می‌کنیم چون صرفاً کنجکاویم ببینیم چطور کار می‌کند، و در نهایت هم خرابش می‌کنیم؟

وقتی وارد دنیای انسانی می‌شویم، داستان دستکاری متفاوت و پیچیده‌تر می‌شود. با چه هدفی افکار و احساسات آدم‌ها را دستکاری می‌کنیم؟ چرا فکر جدیدی را به آن‌ها القا می‌کنیم؟ چرا احساس خاصی را به روش خاصی در فردی تحریک می‌کنیم؟ آیا این کار در جهت منافع و مصالح اوست یا در جهت منافع و مصالح ما؟ آیا این کار را صادقانه و صریح انجام می‌دهیم یا به شکل نهران و غیرمستقیم؟ آیا به عواقب این دستکاری اندیشیده‌ایم؟ آیا این کار را در بافت یک رابطه کاری و حرفه‌ای و با رعایت اخلاق انجام می‌دهیم؟

در پاسخ به این پرسش‌هاست که فریب نهران معنا می‌یابد. آدم‌ها به شکلی پنهان و در جهت منافع خاصی، بدون توجه به نظر و اختیار طرف مقابل، احساسات او را تحریک و دستکاری می‌کنند. این فریب نهرانی است که رواج بسیاری هم دارد.

تمدن و زندگی جمعی، در مواقع بسیاری، صداقت و صراحت را دشوار ساخته است. انگیزه‌های خودمحورانه آدم‌ها و تلاش برای کامروایی فردی یا گروهی نیز این دشواری را تشدید می‌کند. این انگیزه‌ها با آسیب‌های روانی‌ای که در طول زندگی بر فرد تحمیل می‌شوند، شدیدتر و انعطاف‌ناپذیرتر نیز می‌شوند. این شدت و انعطاف‌ناپذیری، در نهایت، صداقت و صراحت را باز هم دشوارتر می‌کند. چنین چرخه‌ای به شکلی فزاینده فریب نهران را در جامعه نهادینه‌تر می‌کند. به عبارتی دیگر، رواج خودمحوری، پیچیدگی روابط انسانی در دنیای مدرن، آسیب‌ها و آزرده‌گی‌های روانی، و میل به انتقام و تلافی، همگی، دستکاری و فریب نهران را رایج کرده‌اند.



این چرخه در جامعه‌ای که در آن مرزهای روان‌شناختی چندان شکل نگرفته‌اند، بیشتر متجلی می‌شود. به‌میزانی که در فرهنگی روابط مهم‌تر از وظایف باشند، به‌میزانی که تمایز و مرز میان ذهنیت من و ذهنیت دیگری کم‌رنگ‌تر باشد، به‌میزانی که یکرنگی و انسجام گروهی اهمیت بیشتری نسبت به فردیت آدم‌ها داشته باشد، حمایت اجتماعی و حس تعلق نیز در آن جامعه و گروه بیشتر خواهد بود. اما این وضعیت روی تاریکی نیز دارد و آن رواج بیشتر فریب‌نهان در آن جامعه است. مرزهای کم‌رنگ روان‌شناختی و ارزشمندی انسجام گروهی، ابراز و تحقق فردیت را دشوارتر می‌سازند و همین امر دستکاری احساسی و فریب‌نهان را رایج‌تر می‌کند. وقتی راه فرد به هر دلیلی برای ابراز آزادانه خود محدود و مسدود باشد، راه‌های پنهان و غیرمستقیم رایج‌تر می‌شوند. آیا فرهنگ ما ایرانیان چنین مشخصه‌ای دارد؟ به نظر من بله، و در جای دیگری مفصل‌تر در این خصوص گفته‌ام<sup>۱</sup>. همین نکته اهمیت ارتقاء دانش و آگاهی نسبت به دستکاری‌های احساسی و فریب‌نهان را در میان ما ایرانیان افزون می‌کند.

فریب‌نهان به تشریح روش‌هایی می‌پردازد که آدم‌ها برای گریز از صداقت و صراحت، و دستکاری و تحریک احساسات یکدیگر به‌کار می‌برند. این دستکاری‌ها اغلب به‌شکل نهان و مزورانه صورت می‌گیرند و در روابط پایدار معمولاً به‌شکل دوطرفه اعمال می‌شوند. به‌عبارتی دیگر، به‌میزانی که رابطه دو بزرگسال تداوم می‌یابد، فریب‌نهان از هر دو طرف اعمال می‌شود. چراکه وقتی دستکاری و فریب از یک طرف وارد رابطه می‌شود، آن رابطه یا قطع می‌شود، یا اصلاح می‌شود، و یا با فریب دو جانبه ادامه می‌یابد. این دستکاری‌ها از عجز در فهم تمایزهای ذهنی و شخصی، محدودیت‌های

۱. تمایز یافتگی‌های روان‌شناختی و دلالت‌های آن در فرهنگ ایرانیان: فرافکنی، درون‌فکنی، هویت‌دهی، دانشگاه تهران (۱۴۰۱). قابل‌بازایی در:

اجتماعی در ابراز خود، و فقر مهارت‌های احساسی و ارتباطی ناشی می‌شوند. این کتاب را می‌توان به یک معنا ادامهٔ *سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی*<sup>۱</sup> دانست. در آن کتاب، الگوهای رفتار ارتباطی را مقوله‌بندی و به برخی روش‌های ارتقاء قاطعیت در روابط و نحوهٔ مرزبندی‌ها پرداختم. در *فریب نهان* شیوه‌هایی را تشریح می‌کنم که آدم‌ها به حریم ذهنی و احساسی یکدیگر، به‌شکلی نهان و اغلب با مقاصدی ناهشیار، تعرض می‌کنند و احساسات خود و دیگران را تحریک و دستکاری می‌نمایند. بنابراین، *فریب نهان* مکمل کتاب *سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی* است و به مقوله‌ای متضاد با قاطعیت و مرزبندی می‌پردازد. با خواندن این کتاب متوجه رواج دستکاری‌های احساسی در روابط انسانی — هم در خود و هم در دیگران — می‌شوید.

در این کتاب قصد ندارم همچون کتاب‌های خودیاری در زمینهٔ ارتباطات، فرافکنی خواننده را تقویت کنم: «دیگران مرا فریب می‌دهند و باید مراقب باشم و یاد بگیرم چطور گول نخورم». اینکه تو یک فریب‌خورده‌ای و باید یاد بگیری جلوی فریب دیگران را بگیری، پندار باطلی است. فریبکار و فریب‌خورده به‌شکل پویایی درهم‌تنیده‌اند. دست از مظلوم‌دیدن خود و ظالم‌دیدن دیگران بردار که ظالم و مظلوم دو روی یک سکه‌اند و هر دو گرایش در درون تو وجود دارند. واقعیت این است که پویایی فریب‌خوردن و فریب‌دادن به‌شکل نهان و پیچیده‌ای اغلب دوجانبه است و این تصور که من باید صرفاً مراقب باشم قربانی فریب دیگران نشوم، معمولاً واقع‌بینانه نیست. هر فریبکاری یک فریب‌خورده است و هر فریب‌خورده‌ای انگیزهٔ پرننگی برای فریبکاری دارد. فریب افزون‌بر اینکه می‌تواند دیگران را هدف قرار دهد، خود را نیز هدف می‌گیرد. خودفریبی رواج کمتری از دگرفریبی ندارد، بلکه رایج‌تر نیز هست.<sup>۲</sup> وقتی کسی ما را فریب می‌دهد، اغلب باید همدست او شویم تا فریبش کارگر

۱. قربانی، ن. (۱۳۹۶). *سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی*

۲. قربانی، ن. (۱۳۹۵). *از خط تا مثلث تعارض*

افتد. بنابراین، درک پویایی‌های درون‌روانی و ارتباطی، هردو، در فریب نهان مهم است و نگاه یک‌جانبه و گسیخته به آن به دور از واقعیت.

فصل نخست کتاب به ماهیت و چگونگی دستکاری‌های احساسی می‌پردازد: برآیند چه عواملی منجر به رواج فریب‌های نهان در جامعه می‌شود و چه خصایص شخصیتی‌ای با دستکاری‌های احساسی بیشتر عجین‌اند. فصل دوم به نشانه‌های وجود فریب می‌پردازد. این نشانه‌ها را نباید نادیده گرفت و وجود آن‌ها گواهی بر ضرورت واری ماهیت و پیامدهای دستکاری‌های احساسی در رابطه است. این فصل پویایی‌های تداوم‌بخش روابط مبتنی بر فریب را روشن می‌کند.

فصل‌های سوم، چهارم، پنجم، و ششم مهم‌ترین و متداول‌ترین اشکال دستکاری‌های احساسی را تشریح می‌کنند. تقویت متناوب، تحریک شوروشوق‌های سطحی و شدید به‌جای صمیمیت، نادیده‌گرفتن تکثر و تعدد ذهنیت‌ها و موضع‌گیری‌ها، و جاذبه‌های سطحی فریبنده متداول‌ترین اشکال فریب و دستکاری احساسی‌اند. هریک از این دستکاری‌ها را در این چهار فصل تشریح کرده‌ام.

فصل ششم به فهرستی از دستکاری‌های احساسی و توضیح مختصر هریک از آن‌ها اختصاص دارد. در این فصل، چهل دستکاری احساسی متداول را توضیح داده‌ام. اما شایان توجه است که فهم ماهیت و چگونگی دستکاری احساسی مهمتر از فهرستی از دستکاری‌های متداول است، زیرا دستکاری بی‌تردید محدود به این چهل راهبرد نیست. فصل هفتم به راهبردهایی می‌پردازد که باید در مواجهه با دستکاری‌های احساسی به یاد داشته باشیم. و فصل آخر منتهیان، و نه مبتدیان، را درباره ماهیت دستکاری و دلایل غیراخلاقی بودن آن خطاب قرار می‌دهد. کسانی که به‌دنبال درک روشن و عینی دستکاری‌های احساسی و راه‌های مقابله با آن‌ها هستند، نیازی به مطالعه فصل آخر ندارند. خوانندگان کنجکاو به مباحث نظری در این فصل فرصتی برای تأمل درباره

ماهیت و بار اخلاقی دستکاری احساسی خواهند یافت. در این فصل، ضمن مرور تعاریف مختلف از دستکاری احساسی، تعریف خود را براساس فرضیه پیوستاری خودشیفتگی - مهرورزی<sup>۱</sup> تشریح کردم.

خواندن این کتاب از یک نظرگاه برای کسانی که در حال آموزش روان‌درمانی، به‌خصوص روان‌درمانی پویایی فشرده و کوتاه‌مدت (ISTDP) هستند، ضرورت دارد. فنون ISTDP به‌سادگی با دستکاری احساسی مشتبه می‌شوند. با اینکه این فنون در اساس از دستکاری‌های احساسی متفاوت‌اند، در ظاهر به هم شبیه‌اند. بنابراین، آشنایی با دستکاری‌های احساسی می‌تواند کارورزان این روش درمانی را در درک تمایز این فنون با دستکاری یاری نماید. کم پیش نمی‌آید که درمانگر در حال دستکاری احساسی بیمار است و گمان می‌کند در حال به‌کارگیری فنون روان‌درمانی است. درک تمایز روان‌درمانی از دستکاری احساسی، افزون‌بر دانش و مهارت، به بینش و سینه‌فراخ در جلسه درمان نیز نیاز دارد که آموزش آن مجال و مقال دیگری غیر از کتاب می‌طلبد. مطالب این کتاب در دو بُعد دانش و مهارت برای کارآموزان روان‌درمانی راهگشا خواهد بود.

با اینکه سال‌ها در فکر تألیف اثری درباره دستکاری احساسی بودم و دانش و آگاهی در این خصوص را برای فرهنگ ایرانی ضروری می‌دانم، اخیراً مجالی یافتم تا این کتاب را در مدت کوتاهی تدوین کنم. بدون یاری‌های دکتر فاطمه ربیعی این کار ممکن نبود. حجم عمده‌ای از کار، از جمله انتخاب و گردآوری دستکاری‌های احساسی متداولی که باید در فصل هفتم طرح می‌شدند، افزون‌بر ویرایش و پیرایش کار، بر دوش ایشان بود. سپاس که تولد این اثر را ترغیب و تسهیل کردند.

ما ایرانیان باید در فرهنگ روابط خود تجدیدنظری کنیم. این مهم را چند دهه پیش با تألیف سبک‌ها و مهارت‌های ارتباطی تصریح کردم و امروز

۱. این فرضیه را در کتاب *سودای خوش‌تولیداً* تشریح کرده‌ام.

که به معضلات پیش‌روی خودمان می‌نگرم، بازنگری و مدیریت مدبرانه‌تر و انسانی‌تر روابط شخصی، خانوادگی، اجتماعی، سازمانی، و سیاسی را ضروری‌تر می‌بینم. باشد که این اثر اثری اندک در آسمان ذهن ایرانیان داشته باشد. تا حق چه تقدیر در تدبیر ما کند.

نیما قربانی  
دانشگاه تهران  
بهار ۱۴۰۲

## فصل يك | فريب احساسى نهان چيست؟ |

ذهن با فریب عجین است.

درک درهم‌تنیدگی فریب‌خوردن و فریب‌دادن آغاز رهایی از این چرخه است.

آن پادشاه جهود که نصرانیان را می‌کشت عنوان یکی از داستان‌های مثنوی است که فریب احساسی را به تصویر می‌کشد. وزیر مکار و حسود پادشاهی جهود که در تکاپوی نابودی مسیحیان بود، دانست که زور و خشونت در جلوگیری از تداوم مسیحیت حاصلی ندارد. شاه را متقاعد کرد که برای شناسایی و نابودی مسیحیان فریبی دراندازد: اعلام کند وزیر مسیحی شده، گوش و بینی‌اش را ببرد و او را از دربار براند. وزیر رانده‌شده در پناه عیسویان رفت. نرم‌نرمک در مقام یک مرشد مسیحی در آنها نفوذ کرد و دلشان را ربود. شش سالی در هجران شاه، وزیر اتباع عیسی را پناهی معنوی بود. سپس وزیر برای دوازده امیر قوم عیسی دوازده حکم برگرفته از انجیل بر ساخت و به هریک ارائه کرد. هر حکم دیگری را نقض می‌کرد. در یکی، ریاضت و جوع (گرسنگی) را اصل کرده و در دیگری، ریاضت را نفی و

جود (بخشش) را اصل. در یکی، جوع و جود را شرک و توکل را اصل می‌کند و در دیگری، خدمت را واجب و توکل را تهمت. خلاصه، دوازده اصل متعارض می‌آورد و هریک را به امیری می‌دهد.

سپس وزیر خلوت می‌گزیند و عیسویان را در تب‌وتاب دوری از خود می‌گذارد. در *میردان درفکنند از شوق سوز*، بود در خلوت چهل پنجاه روز. خلق دیوانه شدند از شوق او، اما وزیر از خلوت بیرون نیامد و گفت *جانم از محبان دور نیست، لیک بیرون آمدن دستور نیست*. از *میردان* اصرار بود و از وزیر انکار. وزیر *میردان* را از شکستن خلوت خود ناامید می‌کند، اما دوازده امیر را یک‌به‌یک به خود می‌خواند، همه آن‌ها را در خفا ولیعهد خود می‌سازد، و به هریک می‌گوید که هرکس در برابرت گردن‌کشی کرد یا بکش و یا اسیرش کن، اما تا من زنده‌ام این راز را با کس مگو و دعوی شاهی مکن. وزیر چهل روز دیگر در بیست و در خلوت نشست. سپس خود را کشت. بله، گاهی ممکن است آدمی برای تحقق آرمان توأم با فریض از جان نیز بگذرد. بر سر گورش قیامتگاه شد و همگان جامه‌دران در عزا شدند. بعد از یک ماه که خلق در پی جانشین وزیر شدند، تفرقه‌افکنی وزیر کارساز شده و دوازده گروه مسیحی به جان یکدیگر افتادند و خیل کثیری هلاک شدند. زورگویی و اداکردن آشکار دیگران به انجام آنچه می‌خواهیم، اغلب کارساز نیست. نخست باید نیت و حقیقت کار پنهان شود و سپس در تکاپوی تفرقه‌افکنی و تحریک تعارض در فرد یا گروهی که هدف فریب است برآیم. آنگاه است که خود تن به کاری می‌دهد که ما می‌خواهیم. راهبردها برای این کار بی‌شمار است و ذکاوت پنهان در آن‌ها گاهی بر ملاکردنشان را دشوار می‌سازد. این اساس دستکاری یا فریب‌نهاد است.

فریب احساسی راهبردهای پنهان دستکاری و کنترل کردن است. این راهبردهای فریبنده اغلب به شکل پنهان در جهت تغییر احساس، رفتار، و ادراک یک فرد یا گروه عمل می‌کنند. این دستکاری نه به شکل مستقیم



و یا با اعمال زور، بلکه از طریق تحریک تعارض درونی و یا تفرقه افکنی اعمال می‌شود. گاهی این فریب پنهان با قصدی آشکار به کار می‌رود، اما اغلب به شکلی ناهشیار عمل می‌کند، که البته در نتیجه کار تفاوت چندانی ندارد. فریب، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، در راستای اهداف شخصی و خودمحوارانه فریبکار است و فرد هدف و رابطه را تخریب می‌کند. فریبکار فضایی می‌سازد و با نیتی عمل می‌کند که احساسات خاصی را در فرد مقابل در جهت تحقق منافع شخصی و احساسی خود تحریک کند. این تحریک فرد فریب خورده را دچار تعارض می‌کند و در این فضای ذهنی متعارض، از درون وادار می‌شود در جهت خواسته فریبکار دست به عمل زند.

این شکل ناسالم و اغلب ناهشیار از رفتار در قالب مفاهیم همانندسازی فرافکن<sup>۱</sup> و یا نمایش عمل<sup>۲</sup> در نظریه‌های روانکاوی، مفهوم بازی‌ها در نظریه تحلیل رفتار متقابل<sup>۳</sup>، و مفهوم فراخوانی و دستکاری در تحلیل موقعیت‌های اجتماعی<sup>۴</sup> مطرح شده است. نظریه‌های روانکاوی و بازی‌ها عمدتاً به ابعاد ناسالم این شکل از فراخوانی و دستکاری احساسات پرداخته‌اند که نوعی فریب نهان و ناهشیار است. همانندسازی فرافکن عمدتاً بر تحریک احساسات و اعمال خاصی در فرد مقابل و سپس اجتناب از او یا نزدیکی به او دلالت می‌کند.<sup>۵</sup> برای مثال، فردی را تحریک می‌کنی، او عصبانی می‌شود، و سپس به دلیل عصبانیتش او را تقبیح می‌کنی و از او دوری می‌جویی. بازی‌ها در واقع نوعی نیرنگ و حيله با نتایجی آزارنده‌اند. نظریه بازی‌ها، البته، این اشکال ناسالم را به شکلی پیچیده و نمایش نامه‌ای مطرح می‌کند که ممکن است در ترکیب با چندین فریب احساسی رخ دهند. بنابراین، درک فریب‌های احساسی از طریق نظریه بازی‌های اریک برن

1. Projective identification

2. Enactment

3. Berne, E. (2011)

4. Buss, D. M. (1987)

۵. در عین حال، همانندسازی فرافکن در نظریه بیون اساس شکل‌گیری هر رابطه‌ای قلمداد می‌شود.